نگاهی به ویژه گی های رفتاری اولین بانوی مسلمان نسبت به پیامبر (ص)

محمد میانجی


بسم الله الرحمن الرحیم

نگاهی به ویژگی‌های رفتاری اولین بانوی مسلمان نسبت‌به پیامبر (صلی الله علیه و اله)

نویسنده:

محمد میانجی

ناشر چاپی:

سایت تخصصی حضرت خدیجه (س)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نگاهی به ویژگی‌های رفتاری اولین بانوی مسلمان نسبت‌به پیامبر (صلی الله علیه و اله)

مشخصات کتاب

نویسنده:محمد میانجی

ناشر: سایت تخصصی حضرت خدیجه (س)

مقدمه

دهم رمضـان (سـال ده بعثت) نقطه پایان بر ۲۵ سال همراهی خـدیجه، بانوی آسـمانی با رسول خدا صـلی الله علیه و آله بود ;بانویی مبارکه، (۱) طاهره، راضـیه، مرضیه، زکیه، صدیقه، کبری، (۲) شامخه، (۳) فاضله، کامله (۴) و عفیفه (۵) که ۵۵ سال قبل از بعثت چشم به جهان گشوده و از سال ۱۵ قبل از بعثت (دهم ربیع‌الاول) در کنار برگزیده الهی قرار گرفته بود و سـرانجام بعد از قریب ۲۵ سـال همراهی و همگـامی، در ۶۵ سـالگی چشـم از جهـان فرو بسـت و رسـول الهی را در فراقی جـانسوز تنهـا گـذاشت. ایـن واقعه دردناک که به فاصـله اندکی از وفات ابوطالب علیه السـلام روی داد، چنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را متاثر کرد که آن سال را «عام‌الحزن نامید. به نقل علامه مجلسی بعد از این واقعه خانه‌نشین شده و کمتر از خانه بیرون می‌رفت. (۶)

مروری بر نحوه خاکسپاری خـدیجه علیهـا السـلام و یادکرد دایمی پیامبر از وی، میزان این حزن و انـدوه را به خوبی نشان می‌دهـد: وقتی خـدیجه وفـات یـافت، پیامبر به شـدت گریه کرد و زمانی که قبر آن بانوی بزرگوار حاضـر شـد، پیامبر همان‌گونه که اشک از چشـمانش ریزان بود، وارد قبر شـد و خوابید و افزون‌تر از قبل گریست، (۷) او را دعا کرد و برخاست و با دست‌خویش همسـرش را در قبر گذاشت. (۸) پیامبر در سالگرد وفاتش نیز گریه کرد (۹) و به زنانش فرمود: گمان نکنید مقامتان از او بالاتر است. زمانی که کافر بودیـد، ایمان آورد و مادر فرزنـدانم است.» (۱۰) حتی سال‌ها بعد که می‌خواسـتند خبر خواسـتگاری علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام را به پیامبر بدهند و یادی از خدیجه شد، چشمانش پر از اشک شد و زمانی که ام سلمه از علت گریه‌اش پرسید، فرمود: «خـدیجه و این مثل خدیجـهٔ صـدقتنی حین یکذبنی الناس و ایدتنی علی دین الله و اعانتنی علیه بمالها ان الله عز و جل امرنی ان ابشـر خدیجهٔ ببیت فی الجنهٔ من قصر الزمرد لا صعب فیه و لا نصب (۱۱;

خـدیجه و کجـاست مثل خـدیجه؟ زمانی که مردم تکـذیبم کردنـد، مرا تصـدیق کرد. بر دین خـدا یاری‌ام کرد و با مالش به کمکم شتافت. خدا به من فرمان داد تا او را به قصـری زمردین در بهشت که سختی و محنتی در آن نیست، بشارت دهم.» این همه تجلیل و بزرگـداشت از مقـام خـدیجه علیهـا السـلام مـا را بر آن می‌دارد که انـدکی پیرامون شخصـیت‌خدیجه علیها السـلام سـخن بگوییم و شاخصه‌هایی که خدیجه علیها السلام را به چنین مرتبه‌ای رسانده است‌برشماریم.

در این مقاله پیرامون ویژگی‌های رفتاری خدیجه علیها السلام نسبت‌به پیامبر صلی الله علیه و آله سخن خواهیم گفت.

۱ - نگرش ارزشی

اولین ویژگی حضـرت خدیجه علیها السـلام نسـبت به پیامبر، درک ارزش‌های واقعی او و در برابر فریبندگی‌های ظاهری و دنیوی بود. او معنـای کمالات انسانی را به خوبی شـناخت و چون توانست آن را تنها در وجود پیامبر اکرم بیابـد، حاضـر شـد تمام شخصـیت و دارایی خود را برای درک آن فـدا کنـد. او در این راه هم از مال خود گذشت، هم از موقعیت اجتماعی‌اش. خدیجه برای درک این کمال واقعی، قالب‌های جاهلی را شکست و بهایی سنگین از جمله قطع رابطه زنان، حتی تا زمان تولد حضرت فاطمه علیها السلام را

به جان خرید. خدیجه علیها السلام این نوع نگرش خود را هنگام ابراز تمایل به ازدواج، این گونه با پیامبر مطرح کرد: «یابن عم انی رغبت فیک لقرابتک و سعلتک فی قومک و امانتک و حسن خلقک و صدق حدیثک (۱۲؛) ای پسر عمو، من به خاطر خویشاوندی، شرافت تو در بین مردم، امانت‌داری، خوش‌خلقی و راستگویی‌ات به تو تمایل پیدا کردم.»

این نوع نگرش و رفتار، در جامعه‌ای که عموم توده‌ها براساس ظواهر و زرق و برق‌های دنیوی روابط خود را پایه‌ریزی می‌کنند، نمی‌توانست‌بدون پی‌آمدهای تلخ و ناگوار باشد، لذا به فاصله‌ای اندک از پخش خبر ازدواج وی با امین قریش، گروهی از زنان به عیب جویی از وی روی آوردند و در محافل خود او را سرزنش کردند. آنان می‌گفتند: «او با این همه حشمت و شوکت‌با یتیم ابوطالب که جوانی فقیر است ازدواج کرد. چه ننگ بزرگی!» خدیجه علیها السلام در مقابل این جهالت‌ها ساکت ننشست و آن‌ها را به صرف نهار دعوت کرد و بعد از پایان مراسم گفت: «ای زنان! شنیده‌ام شوهران شما (و خودتان) در مورد ازدواج من با محمد صلی الله علیه و آله خرده گرفته‌اید و عیب‌جویی می‌کنید، من از خود شما می‌پرسم آیا در میان شما، شخصیتی مثل محمد وجود دارد؟ آیا در گستره مکه و اطراف آن شخصیتی در فضائل و اخلاق نیک، مانند او سراغ دارید؟ من به خاطر این ویژگی‌ها با او ازدواج کردم و چیزهایی از او دیده‌ام که بسیار عالی است. پس شایسته نیست‌شما این گونه سخن بگویید و نسبت‌های ناروا به دیگران دهید.»

زنان قریش بعد از این سخنان خدیجه، همگی سکوت اختیار کردند و به تدریج پراکنده شدند. (۱۳)

این شیوه استدلال خدیجه هر چند عمق ارزش گرایی در انتخاب‌ها را نشان می‌داد، برای جامعه جاهل و متعصب آن روز قابل درک نمی‌نمود، لذا زنان لجوج قریش به حالت قهر با او رفتار می‌کردند. آن‌ها دیگر به خدیجه سلام نمی‌کردند و نزد او نمی‌رفتند حتی تا سال پنجم بعثت که حضرت زهرا علیها السلام متولد شد، نیز این شیوه رفتاری همچنان پا برجا بود. لذا حتی هنگام وضع حمل، او را تنها گذاشته و پیام فرستادند که: «تو با ما مخالفت و با یتیم ابوطالب ازدواج کردی، ما هرگز نزد تو نمی‌آییم و در هیچ کاری کمک نمی‌کنیم!!» این حجم از کینه‌ورزی‌ها

دل خدیجه را آزرد تا آن جا که خداوند چهار بانوی پاکیزه (ساره، آسیه، مریم، صفورا دختر شعیب پیامبر) را به یاری او فرستاد و به این‌سان خدیجه پاداش عشق و علاقه به کمالات انسانی را دریافت کرد و فرزندش فاطمه زهرا علیها السلام را نیز به دنیا آورد. (۱۴)

۲ – احترام به شخصیت پیامبر

خدیجه به رغم اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه‌ای که داشت، در برخورد با رسول اکرم همواره حرمت او را پاس می‌داشت و کوچک‌ترین رفتاری که نشانی از اظهار برتری دهد از خود بروز نمی‌داد. جلوه‌ای عالی از این رفتار را می‌توان در ماجرای عروسی آن دو سراغ گرفت. آن گاه که مراسم عقد و جشن پایان یافته بود و پیامبر می‌خواست‌به خانه عمویش ابوطالب برگردد، ملکه بطحا و بانوی قریش که اینک همسر او شده بود، این گونه او را مخاطب قرار می‌دهد: «الی بیتک فبیتی بیتک و انا جاریتک (۱۵؛) به خانه خودتان وارد شوید، خانه من خانه شماست و من کنیز شما هستم.» و البته این همه احترام و پاسداشت‌به خاطر عقیده و ایمان او به توحید بود و بس. (۱۶)

۳ – تلاش برای جلب رضایت

خدیجه علیها السلام تمام توان خود را به کار می‌برد تا امور منزل را مطابق میل پیامبر اداره کند. از جمله چون به میزان علاقه پیامبر به عبادت آگاه بود، چنان رفتار می‌کرد که پیامبر به راحتی به عبادت و راز و نیازش مشغول باشد و حضور خدیجه را مانعی برای

عباداتش ندانـد. پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله قبل از بعثت، در هر ماه چند بار و نیز همه ساله ماه رمضان را در غار حرا به تفکر و عبادت خداوند می‌گذراند (۱۷) و این عمل بعد از ازدواج نیز ادامه داشت. لذا امام هادی علیه السلام می‌فرمود: «پیامبر اسلام پس از سفر تجاری شام، درآمدش را بین فقرا تقسیم کرد و هر روز بامداد به فراز کوه حرا می‌رفت و به تماشای شگفتی‌های خلقت مشغول می‌شد و تحت تاثیر عظمت‌خدا قرار می‌گرفت و خدا را آن گونه که شایسته بود عبادت می‌کرد.» (۱۸)

خـدیجه علیهـا السـلام بـا درک چنین روحیاتی از پیامبر، هرگز برای او مزاحمتی ایجاد نمی‌کرد و همیشه با همـدلی و همراهی او را بدرقه می‌کرد، غذایش را به وسـیله حضـرت علی علیه السـلام به بالای کوه می‌فرستاد و گاه خود نیز با حضرت همراه می‌شد. علامه مجلسـی به نقل از صـحاح اهل سـنت می‌نویسد: «در آن ماه رمضان که پیامبر در کوه حرا به سر می‌برد و وحی و بعثت آغاز می‌شد، حضرت علی و خدیجه و یکی از غلامان در حضورش بودند.» (۱۹)

برای نمونه تنها یکی از این عبادت‌های پیامبر ۴۰ روز به درازا کشید که خدیجه علیها السلام تمام این مدت را به تنهایی گذراند.

چنین عبادت‌هـای طولاـنی به طور طبیعی می‌توانست موجب نـاراحتی، دلشوره‌هـا و نگرانی‌های مختلفی برای خـدیجه شود، اما او نه تنها اعتراض نمی‌کرد بلکه با رسول خدا همراهی نیز می‌نمود، لذا پیامبر صلی الله علیه و آله که خود متوجه نگرانی‌های خدیجه بود، عمـار یاسـر را نزد خـدیجه فرسـتاد و پیـام داد کـه: «ای خـدیجه! گمـان نکن کنـاره‌گیری من به خـاطر بی‌اعتنـایی به تـو است، بلکه پروردگـارم چنین فرمـود تـا امر خـود را اجرا کنـد. جز خیر و سـعادت فکر دیگری نکن. خداونـد هر روز، چنـد بـار به خـاطر تـو به فرشتگان بزرگش مباهات می‌کند. پس وقتی شب شد، در را ببند و در بستر خود استراحت کن.» (۲۰)

همراهی و همدلی خدیجه و تلاش او برای کسب رضایت رسول اکرم به حدی بود که وقتی هنگام وفات در ضـمن وصیت‌هایش به پیـامبر صـلی الله علیه و آله گفت: «من در حق شـما کوتـاهی کردم، مرا عفـو کن ، پیـامبر فرمود: «هرگز از تو تقصیری ندیـدم و تو نهایت تلاش خود را به کار بردی و در خانه من بسیار خسته شدی.» (۲۱)

۴ – تصدیق و تایید پیامبر صلی الله علیه و اله

روایات بسیاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که گویای اهمیت رویکرد خدیجه به پیامبر در آن فضای جاهلی و غربت رسـول اکرم صـلی الله علیه و آله است. وقـتی که حـتی بسـیاری از بسـتگان رسول اکرم صـلی الله علیه و آله نیز پیـامبر را تنها گذاشـتند و حتی کمر همت‌به نابودی او بسـتند، خـدیجه به محمـد صـلی الله علیه و آله روی آورد و با او پیمانی جاودانی بست و تا لحظه آخر زندگی بر عهد و پیمانش اسـتوار ماند. پیامبر نیز با درک چنین فضیلتی از خدیجه بود که همواره تاکید می‌کرد «این مثل خدیجهٔ از جمله زمانی که هاله، خواهر خـدیجه برای زیارت رسول اکرم صـلی الله علیه و آله به مـدینه آمد، پیامبر با دیدن او به یاد خـدیجه افتاد و از شـدت تاثر به خود لرزیـد. بعـد از رفتن او، عایشه پرسـید: چه قـدر از پیر زن قریش که سال‌خوردگی صورتش را چروکین و سرخ کرده بود یاد می‌کنی با این که امروز روزگار او را نابود کرده و خداوند همسری بهتر به شما بخشیده است!؟ پیامبر فرمود:

«هرگز، به خـدا سوگنـد! بهتر از خـدیجه هیـچ‌گاه نصـیبم نشـد، او هنگامی به من ایمان آورد که مردم مرا تکذیب می‌کردند و ... .» (۲۲)

عبـدالله بن مسـعود نمونه‌ای از مشاهـدات خود پیرامون ایمان خـدیجه را آن زمان که هیچ کسـی به پیامبر ایمان نیاورده بود، اینگونه بیـان می‌کنـد: «نخسـتین چیزی کـه از اسـلام دانسـتم ایـن بـود کـه بـا عموهـایم و تعـدادی از اعضـای قـبیله، وارد مکه شـدیم. چـون می‌خواستیم مقداری عطر بخریم ما را به عباس بن عبدالمطلب راهنمایی کردند. او بالای چاه زمزم، در کنار کعبه نشسته بود. زمانی کـه پیش او نشسـته بـودیم، دیـدیم مردی کـه دو لبـاس سـفید پوشـیده بـود و گیسـوان و ریش پر و دنـدان‌های سـفید و ... داشت و

چهره‌اش مثل ماه می‌درخشید، از باب صفا وارد مسجدالحرام شد. در طرف راست او یک نوجوان و پشت‌سرش بانویی پوشیده را دیدم. آن‌ها کنار حجرالاسود رفتند. ابتدا آن مرد به حجرالاسود دست کشید، سپس آن نوجوان و بعد آن بانو. آن گاه هر سه به طواف کعبه مشغول شدند. وقتی هفت‌بار طواف کردند، کنار حجر اسماعیل آمدند و نماز جماعت‌خواندند. آن مرد هنگام تکبیر دست‌هایش را تا کنار گوشش بلند می‌کرد تا به قنوت نماز رسیدند. قنوت را طولانی کردند تا آن که نماز تمام شد. من که چنین چیزی ندیده بودم، از ابن عباس پرسیدم: آیا دین جدیدی به مکه آمده است؟ من چنین دینی را در مکه ندیده بودم؟ گفت: این مرد برادرزاده من، محمد بن عبدالله است و آن نوجوان برادرزاده دیگرم علی بن ابی‌طالب و آن خانم هم همسر محمد ;خدیجه دختر خویلد است. به خدا قسم غیر از این سه نفر کسی در روی زمین به این دین اعتقاد ندارد.» (۲۳)

۵ – انفاق اموال

پیرامون مظاهر ثروت خدیجه نوشته‌اند: «هشتاد هزار شتر، اموال تجاری او را حمل و نقل می‌کردند، بارگاهی از حریر سبز با ابریشم بر بام خانه‌اش برافراشته بودند که مردم رفت و آمد می‌کردند و به فقرا کمک می‌شد، چهار صد غلام و کنیز امور اقتصادی و شخصی او را اداره می‌کردند.» (۲۴) با این همه او بلافاصله بعد از ازدواج نزد عمویش ورقهٔ بن نوفل رفت و اموال فراوانی به او داد و گفت: این‌ها را نزد محمد صلی الله علیه و آله ببر و بگو این اموال هدیه به شماست و هرگونه بخواهی در آن‌ها تصرف کن و هر چه غلام و کنیز و ثروت و ملک دارم، همه را به احترام حضرت، به او بخشیدم. ورقهٔ بن نوفل نیز کنار کعبه آمد و بین زمزم و مقام ابراهیم ایستاد و با صدای بلند گفت: ای عرب! بدانید که خدیجه شما را شاهد می‌گیرد که خود و همه ثروت خود از غلامان، کنیزان، املاک، دام‌ها، مهریه و هدایایش را به محمد صلی الله علیه و آله بخشیده است و همه آن‌ها هدیه‌ای است که محمد آن را پذیرفته است و این کار خدیجه به خاطر علاقه و محبت او به محمد صلی الله علیه و آله است. شما در این باره گواه باشید و گواهی دهید.» (۲۵)

دامنه این یاری مالی به سال‌های اولیه ازدواج ختم نیافت‌بلکه هنگام محاصره اقتصادی در شعب ابی‌طالب و حتی بعد از آن نیز اموال خدیجه نقش اساسی در نجات اسلام و مسلمانان از نابودی ایفا کرد تا آنجا که پیامبر در ماجرای شعب فرمود: «هیچ ثروتی، هرگز مثل ثروت خدیجه به من سود نرساند.» (۲۶)

طبق بعضی روایات در ماجرای محاصره، از اموال خدیجه چیزی نماند و به نقل از حضرت خدیجه علیها السلام «چیزی جز دو پوست‌باقی نماند که هنگام استراحت‌یکی را زیرانداز و دیگری را روانداز قرار می‌دهیم . در این مدت ابوالعاص بن ربیع، داماد حضرت خدیجه، شترها را با گندم و خرما با شگردهای مختلف به آن‌ها می‌رساند و در طول سه سال محاصره، مصارف آنان از اموال خدیجه تامین می‌شد. (۲۷)

۶ – تحمل‌پذیری و صبر

خدیجه صبر و تحمل را در زندگی با رسول خدا صلی الله علیه و آله پیشه خود ساخت و در برابر فشارهای مختلف همسایه‌های مشرک، زنان متعصب، محاصره اقتصادی و... بردباری و تحمل‌پذیری ویژه‌ای از خود نشان می‌داد. از جمله این وقایع می‌توان به واقعه شعب اشاره کرد که نقش مهمی نیز در تحلیل قوای جسمانی خدیجه علیها السلام داشت، به اندازه‌ای که به فاصله اندکی از پایان محاصره، آن بانوی بزرگوار وفات یافت. در این محاصره یاران پیامبر (چهل نفر) جز چهار ماه حرام سال را در گرمای داغ تابستان و بیابان خشک و... تحمل می‌کردند و در این زمان بانوی محمد که ۶۳ تا ۶۵ ساله بود، علاوه بر صرف اموال، خود نیز در شمار محاصره شدگان بود.

میزان فشاری را که بر محاصره‌شدگان وارد می‌شد می‌توان از گزارش سعد وقاص فهمید. او می‌گفت: شبی از دره بیرون آمدم، از شدت گرسنگی تمام توانم را از دست داده بودم، چشمم به پوست‌خشکیده شتری افتاد، آن را برداشتم و بعد از شستن و پختن و کوبیدن، با آب خمیر مخلوط کردم و سه روزی با آن به سر بردم.» (۲۸)

بنت الشاطی از نویسندگان عرب در مورد میزان تحمل خدیجه علیها السلام در این دوران می‌نویسد: خدیجه در سنی نبود که تحمل آن همه رنج‌برایش آسان باشد، و از کسانی نبود که در جریان زندگی با تنگی معیشت‌خو گرفته باشد. اما در عین حال و با وجود کهولت‌سن، سختی‌هایی را که در اثر محاصره در شعب وارد می‌شد تا سر حد مرگ تحمل کرد. (۲۹)

در این دوره حتی برخی بستگان پیامبر نیز با بی‌رحمی تمام بر این فشارها می‌افزودند که از جمله آن‌ها می‌توان از ابوجهل نام برد که مانع می‌شد تا حکیم بن حزام برای عمه‌اش خدیجه علیها السلام که در شعب بود، حتی از اموال خود خدیجه آذوقه برساند. (۳۰)

۷ – انیس و غمزدای پیامبر

با این همه سختی و فشار، خدیجه خم به ابرو نمی‌آورد و در تمام دوران زندگی قبل و بعد از بعثت‌به سان بانویی شفیق، بر گرد وجود پیامبر می‌گشت و با سیمای خندان خود غم‌ها را از رخ پیامبر می‌زدود و در این بین به‌سان یاور، وزیر و کمک‌رسانی توانمند او را یاری می‌کرد.

ابن هشام می‌نویسد: خدیجه به پیامبر ایمان آورد، گفتارش را تصدیق کرد و او را یاری داد و ...

خداوند به وسیله او به پیامبرش آرامش داد به نحوی که هیچ خبر ناراحت‌کننده‌ای از قبیل رد و تکذیب را نمی‌شنید مگر این که خداوند به وسیله خدیجه گشایش برایش ایجاد می‌کرد. وقتی خدا پیامبرش را به خدیجه برمی‌گرداند، دشواری‌ها را بر او آسان می‌کرد و تصدیقش کرده، اعمال مردم را (که موجب آزار شده بود) بی‌اهمیت جلوه می‌داد. رحمت‌خدا بر او باد. (۳۱)

حجم سنگین فشارهای قریش و مشرکان با این سخن پیامبر روشن می‌شود که: «ما اوذی نبی بمثل ما اوذیت (۳۲؛) هیچ پیامبری مثل من آزار ندید.» و خدیجه علیها السلام در تمام این آزارها، یار و غم‌زدای پیامبر بود.

علامه مجلسی می‌نویسد: در سال‌های آغازین بعثت‌بود که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با سیمایی غمگین و محزون از غار حرا به خانه برگشت. خدیجه علیها السلام می‌گوید، به پیامبر گفتم: نشانه اندوه در چهره‌ات می‌بینم، چه شده است؟ فرمود: علی از من جدا شده و معلوم نیست کجاست؟ [عده‌ای از مسلمانان به خاطر پرهیز از گزند مشرکان پراکنده شده بودند و میان علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز فاصله افتاده بود] در مورد آسیب رسانی مشرکان به وی نگرانم!

به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم: بر شترم سوار می‌شوم، یا او را می‌یابم و یا مرگ بین من و او فاصله می‌اندازد.

خدیجه سوار شتر شد و به جست و جو پرداخت تا آن که قیافه کسی را دیده بر او سلام کرد و از صدای جوابش فهمید علی است ... آن گاه به سوی خانه برگشت و با دادن خبر سلامتی علی، پیامبر را خوشحال کرد به اندازه‌ای که پیامبر یازده بار شکرا للمجیب گفت.

۸ – مجاهدت و دفاع از رسول خدا صلی الله علیه و آله

از مصادیق مجاهدت خدیجه علیها السلام می‌توان به موضوع پذیرش اسلام در سال‌های جهل و گمراهی و نیز تقیه شدید در شرایط خوفناک و وحشتناک آن عصر اشاره کرد. میزان خطرات پذیرش اسلام در آن دوره به حدی بود که امام صادق علیه السلام می‌فرمود: پیامبر خدا پنج‌سال در مکه به طور پنهانی می‌زیست، علی و خدیجه با او بودند و اسلام خود را پنهان و به شدت تقیه

می کردند. (۳۳)

علاوه بر این خدیجه علیها السلام در مقام دفاع از پیامبر نیز برمی‌آمد. از جمله اصبغ بن نباته می گوید: عصر روز جمعه در مسجد در حضور علی علیه السلام بودیم که مردی بلند قامت‌به نام سواد بن قارب خدمت امام آمد. او بعد از رد و بدل شدن مطالبی گفت: از یمن سوار شتر شدم و به سوی مکه آمدم. با نخستین کسی که روبه‌رو شدم ابوسفیان بود. بر او سلام کردم و پیرامون خاندان قریش پرسیدم، گفت: مشکلی نیست فقط یتیم ابوطالب دین ما را فاسد کرده است.

گفتم نام او چیست؟ گفت: محمد و احمد. پرسیدم کجاست؟ گفت‌با خدیجه دختر خویلد ازدواج کرده و در خانه اوست. مهار شتر را کشیدم و به خانه خدیجه رفتم و در زدم. خدیجه پشت در آمد و پرسید: کیستی؟ خود را معرفی کردم و گفتم: می‌خواهم با محمد ملاقات کنم.

او این گونه پاسخ داد: «اذهب الی عملک ماتذرون محمدا یاویه ظل بیت قد طردتموه و هربتموه و حصنتموه اذهب الی عملک ;به دنبال کار خود برو، محمد را رها نمی کنید تا در پناه خانه‌اش بیاساید. شما او را از خود دور کردید و فراری دادید و در مقابلش سنگربندی کردید، برو به دنبال کارت.»

پیامبر فرمود: ای خدیجه در را بگشا، وقتی وارد شدم سیمای نورانی پیامبر را دیدم و به رسالت او ایمان آوردم و بعد از وداع به یمن بر گشتم. (۳۴)

یک بار هم که جهال عرب با سنگ‌پرانی حضرت را زخمی کردند و در پی او تا خانه خدیجه آمدند و خانه را سنگ‌باران کردند، خدیجه بیرون آمد و گفت: آیا از سنگباران کردن خانه زنی که نجیب‌ترین قوم شماست، شرم ندارید؟ و مردم با شنیدن این سخن شرمنده و متفرق شدند و آن گاه خدیجه به مداوای همسرش شتافت. در همین واقعه بود که پیامبر از سوی خداوند به او سلام رساند و خدیجه در برابر سلام الهی گفت: «ان الله هو السلام و منه السلام و علی جبرئیل السلام و علیک یا رسول الله السلام و بر کاته.» (۳۵)

پی‌نوشت‌ها

۱) بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۳۵۲.

۲) همان، ج ۱۰۲، ص ۲۷۲.

۳) همان، ج ۱۶، ص ۶۹.

۴) همان، ج ۷۵، ص ۵۶.

۵) همان، ج ۱۶، ص ۶۹.

۶) همان، ج ۱۹، ص ۲۱.

۷) سیره اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱ ;کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۱۱.

۸) تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۹۳.

۹) سفینةالبحار، ج ۱، ص ۳۸۰.

۱۰) سیره نبوی، ابن هشام، ج ۱، ص ۱۹۹.

۱۱) سفینة البحار، ج ۱، ص ۳۸۱.

۱۲) سیره نبوی، ابن هشام، ج ۱، ص ۲۰۱ ;تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۲۱.

۱۳) بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۸۱ ;ج ۱۰۳، ص ۳۷۴.

۱۴) همان، ص ۸۰.

۱۵) بحارالانوار، ج ۱، ص ۴.

۱۶) سفینهٔ البحار، ج ۲، ص ۵۷۰ ؛وفات الزهرا، مقرم، ص ۷.

۱۷) شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۰۸.

۱۸) بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۳۰۹.

۱۹) همان، ج ۱۵، ص ۳۶۳.

۲۰) بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۷۹ و ۸۰.

۲۱) شجره طوبی، ج ۲، ص ۲۳۵.

۲۲) قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۴۳۲.

۲۳) شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۱۳، ص ۲۲۵.

۲۴) بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲.

۲۵) همان، ج ۱۶، ص ۷۵ تا ۷۷.

۲۶) همان، ج ۱۹، ص ۶۳.

۲۷) ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۱۱.

۲۸) سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۳۷۹ ؛تاریخ طبری، ج ۲، ص ۷۹.

۲۹) خدیجه کبری، نمونه زن مجاهد مسلمان.

۳۰) سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۳۳۵ ؛بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۱۸.

۳۱) سیره نبوی، ابن هشام، ج ۱، ص ۲۴۹ ؛استیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۰ ؛با اختلاف اندک.

۳۲) بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۱.

۳۳) کمال الدین، ص ۱۹۷ ؛نمونه‌هایی از مجاهدت این بانو در ماهنامه مبلغان ش ۱۱، ص ۸ به بعد مطالعه کنید.

۳۴) اختصاص مفید، ص ۱۸۱ ؛بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۹۸.

۳۵) استیعاب، ج ۴، ص ۱۱۱ و ج ۲، ص ۷۱۹ ؛اسد الغابهٔ، ج ۵، ص ۴۳۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن

خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۶۰۹۰به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

